

گشت‌مهر

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ چهارشنبه ۲۴ تیر ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هفتم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰۰ تومان

« ۴ - ۵ »



تابلوسازی علی پور

مجری انواع تابلوهای تبلیغاتی...

گرگان، بلوار مدرس، نبش مدرس ۹

تماس: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹

یادداشت اول

بازگشت خاموشی

■ با مسوولیت سردبیر

بازگشت خاموشی‌های بی‌برنامه، آن هم در سکوت اطلاع‌رسانی، بار دیگر شکاف میان مدیریت انرژی و نیازهای واقعی جامعه را آشکار کرده است. در روزهای اخیر، قطعی‌های دو تاسه‌ساعته برق در برخی مناطق استان گلستان نه‌تنها تکرار شده، بلکه با نبود هرگونه جدول زمان‌بندی شفاف، به عاملی برای سردرگمی و نارضایتی عمومی تبدیل شده است. مسئله صرفاً قطع برق نیست؛ مسئله، بی‌اطلاعی است. شهروندان در شرایطی قرار گرفته‌اند که حتی امکان برنامه‌ریزی ساده برای امور روزمره خود را ندارند. خاموشی‌ای که زمان آن مشخص نیست، عملاً به اختلال در کار، آموزش، خدمات و حتی آرامش روانی خانواده‌ها منجر می‌شود. این وضعیت، بیش از آنکه ناشی از کمبود منابع باشد، نشانه‌ای از ضعف جدی در مدیریت ارتباط با افکار عمومی است؛ ضعفی که هر روز بیشتر خود را در زندگی مردم نشان می‌دهد. در بخش کشاورزی، ابعاد این بحران عمیق‌تر و نگران‌کننده‌تر است. گزارش‌های مردمی از قطع چهار ساعته برق چاه‌های آب، زنگ خطری جدی برای تولیدکنندگان به شمار می‌رود. کشاورزی، فعالیتی زمان‌محور و وابسته به شرایط دقیق است؛ هرگونه وقفه پیش‌بینی‌نشده در تامین انرژی، می‌تواند به کاهش بهره‌وری، آسیب به محصولات و در نهایت افزایش هزینه‌های تولید منجر شود. در چنین شرایطی، نبود داده‌های رسمی و شفاف، تنها بر ابهام و بی‌اعتمادی می‌افزاید و برنامه‌ریزی را به حداقل ممکن می‌رساند. نکته قابل تامل، فاصله‌معمار میان عملکرد دستگاه‌های مسئول و انتظارات بدیهی جامعه است. انتشار یک جدول دقیق خاموشی، اقدامی پیچیده یا پرهزینه نیست؛ بلکه ابتدایی‌ترین گام در مدیریت وضعیت‌های بحرانی محسوب می‌شود. وقتی همین حداقل نیز نادیده گرفته می‌شود، طبیعی است که افکار عمومی آن را نه یک نقص مقطعی، بلکه نشانه‌ای از بی‌برنامگی ساختاری تلقی کند. ناگفته نماند اطلاع‌رسانی زمانی معنا دارد که در دسترس، به‌موقع و قابل اتکا باشد. اعلام زمان قطعی برق در بسترهایی که بخش وسیعی از جامعه به آن دسترسی ندارد، عملاً کارکردی ندارد.

ادامه در صفحه ۲

آشپزی با کودکان؛ جشنی از طعم و شادی در تابستان

« ۸ »



گیلاس و احیای زمین‌های کم‌بازده

« ۳ »



ظرفیت قانونی حمایت از صنعت، کم استفاده است

« ۲ »



زمین را زنان مدیریت می‌کنند



فاطمه سراوانی- کشاورزی در استان گلستان، بیش از آنکه به سیاست‌های روی کاغذ وابسته باشد، بر دوش کسانی استوار است که هر روز با خاک و آب سر و کار دارند. در این میان، زنان کشاورز، آن‌ها که مستقیم در مزرعه کار می‌کنند یا در پشت صحنه تولید ایستاده‌اند، نقشی دارند که کمتر دیده شده اما به‌روشنی اثرگذار است. این زنان، بی‌آنکه عنوانی رسمی داشته باشند، در عمل مدیران خاموشی هستند که ریتم کشت و کار را تنظیم می‌کنند و تصمیم‌های روزمره‌شان مسیر تولید را شکل می‌دهد. در شرایطی که منابع آبی گلستان با فشارهای فزاینده رویه‌روست، مدیریت مصرف آب دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی فوری است. در این میان، زنان کشاورز می‌توانند تعیین‌کننده باشند. آن‌ها که به‌طور مداوم با زمین و گیاه در ارتباط‌اند، بهتر از هر دستورالعملی زمان مناسب

آبیاری، میزان مصرف و حتی روش‌های جلوگیری از هدررفت را تشخیص می‌دهند. اصلاح همین رفتارهای به ظاهر ساده، اگر جدی گرفته شود، می‌تواند بخش قابل توجهی از بحران آب را مهار کند. خاک نیز داستانی مشابه دارد. فرسایش، آرام و بی‌صدا، توان تولید را در برخی مناطق استان تحلیل برده و می‌برد. اما همین زنان، با تجربه‌ای که از سال‌ها کار عملی به دست آورده‌اند، قادرند با اقداماتی ساده اما مؤثر، از حفظ پوشش گیاهی تا پرهیز از دستکاری‌های مخرب، به حفظ و تقویت خاک کمک کنند. این تصمیم‌ها، برخلاف ظاهرشان، در مقیاس گسترده نقشی تعیین‌کننده در پایداری کشاورزی دارند. آنچه نگاه زنان کشاورز را متمایز می‌کند، پیوند عمیق آن‌ها با معیشت خانوار است. برای آنان، زمین صرفاً محل تولید نیست؛ بخشی از امنیت زندگی است. همین نگاه، باعث می‌شود

در استفاده از منابع، محتاط‌تر و آینده‌نگرتر عمل کنند. در روزگاری که تغییرات اقلیمی و کاهش منابع، کشاورزی را در تنگنا قرار داده، چنین رویکردی یک مزیت جدی به شمار می‌آید. با این حال، این ظرفیت گسترده هنوز آن‌گونه که باید به کار گرفته نشده است. بسیاری از زنان کشاورز، با وجود تجربه و نقش مؤثر، از آموزش‌های کاربردی، ابزارهای مناسب و حمایت‌های مالی دانش روز، امکانات اولیه و اندکی پشتیبانی دسترسی داشته باشند، می‌توانند روش‌های بهتری را در مدیریت آب و خاک اجرا کنند و بهره‌وری را افزایش دهند. بهره‌مندی واقعی از این توان، مستلزم تغییر در نگاه و عمل است. آموزش‌های میدانی و ساده، متناسب با شرایط بومی، می‌تواند تجربه این زنان را به مهارتی دقیق‌تر تبدیل کند. از سوی دیگر، ایجاد مسیرهای دسترسی به تسهیلات به

آن‌ها امکان می‌دهد ایده‌های خود را در عمل پیاده کنند. حضورشان در شوراها و تشکلهای محلی نیز می‌تواند تصمیم‌ها را به واقعیت نزدیک‌تر کند چرا که آنان از جزئیات کار و دشواری‌های روزمره آگاه‌ترند. کشاورزی گلستان در بزنگاهی ایستاده که هر انتخاب، پیامدی بلندمدت خواهد داشت. در چنین نقطه‌ای، چشم بستن بر ظرفیت زنان کشاورز، تنها یک غفلت ساده نیست؛ از دست دادن مسیری است که می‌تواند زمین را از فرسودگی و منابع بی‌صدا زمین را زنده نگه داشته‌اند؛ اکنون اگر دیده شوند و امکان تصمیم‌سازی ببابند، همان دستانی که بذر می‌کارند، می‌توانند آینده‌ای پایدار نیز بیافرینند. شاید وقت آن رسیده باشد که مدیریت کشاورزی، نه از بالا، بلکه از دل همین تجربه‌های خاک‌خورده بازتعریف شود.

ادامه یادداشت اول

باز گشت خاموشی

از رسانه‌های محلی گرفته تا پیامک‌های هدفمند و شبکه‌های اجتماعی پرمخاطب، همگی ابزارهایی هستند که می‌توانند شفافیت ایجاد کنند؛ اما آنچه غایب است، اراده‌ای جدی برای استفاده موثر از این ظرفیت‌هاست. ادامه این روند، پیامدهایی فراتر از نارضایتی مقطعی خواهد داشت. فرسایش اعتماد عمومی، کاهش کارایی اقتصادی و افزایش فشار

بر اقشار مختلف، تنها بخشی از تبعات آن است. مدیریت انرژی، صرفاً به معنای تولید و توزیع برق نیست؛ بلکه مدیریت انتظار، پاسخ‌گویی شفاف و احترام به حق دانستن شهروندان را نیز در بر می‌گیرد. شفافیت در اعلام جدول خاموشی‌ها، نه یک اقدام اختیاری، بلکه حداقل وظیفه‌ای است که باید بی‌درنگ اجرا شود. مردم حق دارند بدانند چه زمانی با قطع

زنگ هشدار برای تولید گلستان؛

ظرفیت قانونی حمایت از صنعت، کم‌استفاده است

ظرفیت ۳۶۰ مجموعه فناوری در گلستان

رییس پارک علم و فناوری گلستان نیز در این جلسه با تأکید بر ضرورت استفاده بیشتر از قانون جهش تولید دانش‌بنیان گفت: این قانون با هدف تقویت اقتصاد دانش‌بنیان و افزایش نقش فناوری در تولید کشور تدوین شده و باید بیش از گذشته میان فعالان اقتصادی تبیین شود. بهمن طیبی افزود: در استان گلستان ۳۶۰ هسته، واحد فناوری و شرکت دانش‌بنیان فعالیت دارند که از این تعداد ۷۴ مجموعه در قالب شرکت دانش‌بنیان فعالیت می‌کنند. وی ادامه داد: حوزه‌های کشاورزی، دام و طیور، گیاهان دارویی و مواد شیمیایی از مهم‌ترین زمینه‌های فعالیت این مجموعه‌ها در استان است و می‌توان با بهره‌گیری از مشوق‌های قانونی، زمینه رشد و توسعه آنها را فراهم کرد. رییس اتاق بازرگانی گرگان نیز با بیان اینکه توسعه اقتصادی بدون استفاده از مشوق‌ها و حمایت‌های قانونی دشوار است، گفت: بسیاری از واحدهای تولیدی استان از ظرفیت‌های مالیاتی، محیط‌زیستی و حمایتی موجود اطلاع کافی ندارند. امیر یوسفی اظهار کرد: گلستان با وجود ظرفیت‌های قابل توجه تولیدی، نیازمند بهره‌گیری بیشتر از بسته‌های حمایتی برای افزایش بهره‌وری و حرکت به سمت تولید پایدار است. براساس آخرین گزارش اداره کل صنعت، معدن و تجارت گلستان، هزار و ۴۵ واحد تولیدی دارای پروانه بهره‌برداری در استان وجود دارد که از این تعداد ۶۹.۲ درصد فعال، ۳۶.۲ درصد نیمه‌فعال و ۴.۶ درصد راکد هستند که این موضوع اهمیت استفاده از ابزارهای حمایتی برای تقویت تولید و بازگشت واحدهای کم‌فعالیت به چرخه تولید را دوچندان می‌کند.



مسیر توسعه و دانش‌بنیان شدن را طی کنند. سجاد تاج‌الدینی اظهار کرد: بیش از هزار شرکت تولیدی در کشور از اعتبار مالیاتی بهره‌مند شده‌اند که میزان استفاده از این ظرفیت در سال ۱۴۰۳ حدود ۶ همت و در سال ۱۴۰۴ حدود ۱۵ همت بوده است. وی افزود: سهم استان گلستان از این اعتبارات کمتر از یک درصد است، در حالی که این استان با داشتن ظرفیت‌های گسترده در بخش‌های کشاورزی، دام و طیور و صنایع تبدیلی، امکان بهره‌گیری بیشتری از این حمایت قانونی دارد.

وی افزود: برگزاری نشست‌های تخصصی و آموزشی برای معرفی این قانون به صنعتگران و تولیدکنندگان استان در دستور کار قرار گرفته تا فعالان اقتصادی بتوانند از این فرصت برای توسعه فعالیت‌های خود استفاده کنند. کارشناس ارشد دبیرخانه اعتبار مالیاتی معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری نیز با اشاره به اجرای قانون جهش تولید دانش‌بنیان گفت: این قانون تنها مختص شرکت‌های دانش‌بنیان نیست و همه شرکت‌های تولیدی می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های پیش‌بینی شده،

در حالی که قانون جهش تولید دانش‌بنیان با هدف حمایت از تحقیق و توسعه، افزایش سرمایه‌گذاری و تقویت تولید داخلی از سال ۱۴۰۱ به اجرا درآمده، سهم اندک واحدهای تولیدی گلستان از اعتبارات مالیاتی این قانون نشان می‌دهد بخش مهمی از این ظرفیت حمایتی همچنان در استان ناشناخته و کم‌استفاده مانده است. به گزارش ایرنا، اعتبارات مالیاتی جهش تولید به عنوان یکی از ابزارهای حمایتی جدید دولت، فرصتی برای کاهش هزینه‌های توسعه، تحقیق و نوآوری در واحدهای تولیدی محسوب می‌شود اما فعالان اقتصادی گلستان معتقدند ضعف اطلاع‌رسانی و نبود آگاهی کافی میان تولیدکنندگان سبب شده بسیاری از واحدها از این ظرفیت قانونی بهره‌مند نشوند. در نشست تخصصی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان با حضور کارشناس دبیرخانه اعتبار مالیاتی معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری، فعالان اقتصادی استان بر ضرورت آموزش و آشنایی بیشتر تولیدکنندگان با مزایای این قانون تأکید کردند. رییس کمیسیون دانش‌بنیان اتاق بازرگانی گرگان در این نشست گفت: استان گلستان تاکنون نتوانسته از ظرفیت اعتبارات مالیاتی به شکل مطلوب استفاده کند در حالی که این ابزار حمایتی می‌تواند نقش موثری در توسعه واحدهای تولیدی و پایداری اشتغال داشته باشد. یاسر دومهری اظهار کرد: براساس گزارش معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری، تنها چهار شرکت تولیدی در گلستان از اعتبارات مالیاتی بهره‌مند شده‌اند و سهم استان از این ظرفیت در مقایسه با دیگر استان‌ها بسیار پایین است.

آگهی‌ثبتی

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود: ۱- آرای شماره ۱۴۰۵۲۸۰/۰۰۰۳۱۲۰۱۰۰۰۵۸۸ در پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۵۸۸ تصرفات مغرورزی و مالکانه آقای یاسین صادقلو فرزند دوست علی مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۰۴/۵۴ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۷۵۷ فرعی از ۱- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای ابوالقاسم بای). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ (چهارشنبه) تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ (شنبه) لیل کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان-م الف ۹۶۴۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۲۸۰/۰۰۰۳۱۲۰۱۲۰۰۱۶۱۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۹ هیات اول موضوع قانون

صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کلاسه-م الف ۹۷۰۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۲۸۰/۰۰۰۳۱۲۰۱۲۰۰۱۸۱۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاسه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم عبدالجلیل سعیدی فرزند خجی به شناسنامه شماره ۷۲۸ و کدملی ۴۸۶۹۳۳۶۴۹۳ صادره از شهرستان کلاسه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰۰ مترمربع مغرور و مجزا شده از پلاک باقیمانده ۸۷ فرعی از ۲۱۹- اصلی واقع در اراضی قریه دهنه بخش ۹ شهرستان کلاسه خریداری از مالک رسمی آقای/خانم سهم مشاعی خود متقاضی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کلاسه-م الف ۹۷۰۲

تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاسه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم سلیمان نوری فرزند محمدابراهیم به شناسنامه شماره ۳۹ و کدملی ۴۸۶۹۳۳۶۴۹۳ صادره از شهرستان مراوه تپه در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۹۶.۱۱ مترمربع مغرور و مجزا شده از پلاک ثبتی ۳۴۳ فرعی از ۱۹۹- اصلی واقع در قریه آیدرویش بخش ۹ شهرستان کلاسه خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای/خانم سهم مشاعی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کلاسه-م الف ۹۷۰۶

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۲۸۰/۰۰۰۳۱۲۰۱۲۰۰۱۸۱۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاسه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم عبدالجلیل سعیدی فرزند خجی به شناسنامه شماره ۷۲۸ و کدملی ۴۸۶۹۳۳۶۴۹۳ صادره از شهرستان کلاسه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۰۰۰ مترمربع مغرور و مجزا شده از پلاک باقیمانده ۸۷ فرعی از ۲۱۹- اصلی واقع در اراضی قریه دهنه بخش ۹ شهرستان کلاسه خریداری از مالک رسمی آقای/خانم سهم مشاعی خود متقاضی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به

«

اگر جاهل سکوت می کرد



ابراهیم مهدوی

درد جامعه امروز ما از جاهلان است که خاموش نمی مانند.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ.

«اگر جاهل سکوت می کرد، مردم دچار اختلاف نمی شدند.» این سخن کوتاه، امروز همچون آینه‌ای پیش روی جامعه ماست؛ آینه‌ای که در آن می بینیم چگونه هیاهوی ناآگاهان بر صدای آرام و مسئولانه متخصصان سایه انداخته است. جامعه‌ای که در آن هرکس، بی آنکه کمترین آشنایی با اصول یک علم داشته باشد، خود را صاحب رأی و نسخه نهایی می پندارد؛ و این همان نقطه‌ای است که اختلاف، آشوب و سردرگمی از آن زاده می شود. داستان ناصرالدین شاه و وزیر روایت مشهور است که می گویند روزی ناصرالدین شاه از وزیر بهداشت خود پرسید: «جناب وزیر، در این کشور بیشترین متخصصان در چه حوزه‌ای هستند؟» وزیر گفت: «قربان، اجازه دهید بررسی کنم و فردا خدمت برسم.» فردای آن روز، هنگامی که شاه و درباریان در تالار نشسته بودند، وزیر با چهره‌ای باندپیچی شده، رنگ پریده و ناتوان وارد شد. شاه با تعجب پرسید: «جناب وزیر، چه بر سر شما آمده؟» وزیر ناله کنان گفت: «قربان، دندان درد امانم را بریده.» هنوز سخن وزیر تمام نشده بود که تالار به همهجه افتاد: یکی گفت: «سیر بگذارید، فوراً خوب می شود!»

دیگری گفت: «نه قربان، الکل بهترین درمان است!» سومی گفت: «نمک رویش بگذارید، درد می خوابد!» چهارمی گفت: «حریره بادام بخورید، معجزه می کند!» و هرکس نسخه‌ای پیچید؛ از فراشان گرفته تا ندیمان، از درباریان تا خدمه. وزیر که از شدت درد و از شدت حیرت، هر دو بی تاب شده بود، رو به شاه کرد و گفت: قربان، پاسخ سؤال دیروزتان همین است. در این کشور بیش از هر تخصصی طبیب داریم؛ زیرا همه خود را طبیب می دانند. «شاه خندید، اما وزیر ادامه داد: این خنده ندارد قربان؛ درد واقعی همین است که هرکس بی دانش، نسخه می پیچد و کار را بر کاردان دشوار می کند. همان داستان با چهره‌ای تازه، در جامعه ما تکرار می شود: پزشکی که سال‌ها درس خوانده، باید نسخه‌هایی را تحمل کند که از دهان کسانی بیرون می آید که فرق «ویروس» و «باکتری» و «تب» و «التهاب» را نمی دانند. اقتصاددانی که عمرش را پای داده و تحلیل گذاشته، باید تحلیل‌هایی را بشنود که بر پایه «شنیده‌ها» و «حدس‌ها» بنا شده است. کارشناس سیاست باید داوری کسانی را تحمل کند که سیاست را با هیجان و دیپلماسی را با شعار اشتباه گرفته‌اند. فقیه و دین‌شناس باید پاسخگوی کسانی باشد که نه اصول استنباط را می شناسند و نه تاریخ دین را، اما خود را «مفسر کل» می دانند. ورزش نیز از این آفت بی نصیب نیست؛ هرکس خود را مربی

فوتبال می پندارد و نسخه قهرمانی می پیچد. این همان «طبیب بودن همگانی» است که وزیر ناصرالدین شاه از آن شکایت داشت؛ اما امروز، این طبیب بودن همگانی، از حوزه درمان فراتر رفته و به سیاست، اقتصاد، دین، فرهنگ، ورزش و حتی روابط بین الملل رسیده است. ریشه بحران آن جاست که جاهل خاموش نمی ماند؛ بلکه بلندترین صدا از آن کم‌دانش‌ترین هاست. جاهل، سخن را ابزار هیجان می کند؛ دانا، سخن را مسئولیت می بیند. جاهل، نسخه می پیچد؛ دانا، پیش از نسخه، درد را می شناسد. جاهل، تحلیل می کند؛

دانا، پیش از تحلیل، داده جمع می کند. و همین تفاوت است که جامعه را به اختلاف می کشاند؛ زیرا هیاهوی ناآگاهان، خرد را خاموش می کند. در پایان پیام حدیث این است اگر جاهلان سکوت می کردند، اگر هرکس تنها در حوزه دانایی خویش سخن می گفت، اگر هیاهو جای خود را به خرد می داد، کشور ما امروز گرفتار این همه آشفتگی نبود. مشکل ما کمبود متخصص نیست؛ مشکل ما فراوانی مدعیان تخصص است. جامعه‌ای که در آن هرکس خود را صاحب نسخه نهایی می داند، نه به مقصد می رسد، نه راه را درست می شناسد. و این همان حقیقتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام هزار و چهار صد سال پیش هشدار داد: اگر جاهل سکوت می کرد، مردم دچار اختلاف نمی شدند.

گیلاس و احیای زمین‌های کم بازده

کشورهای آسیای میانه، توسعه بسته‌بندی، صنایع تبدیلی و یکسان‌سازی تولید می‌تواند زمینه ورود این محصول به بازارهای صادراتی را فراهم کند.

ترسیب کربن؛ پیوند کشاورزی و منابع طبیعی

توسعه باغ‌های مثمر در اراضی شیب‌دار گلستان تنها به بخش کشاورزی محدود نشده و در سال‌های اخیر با اجرای طرح‌های منابع طبیعی و آبخیزداری نیز دنبال شده است. معاون فنی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان گفت: طرح ترسیب کربن از سال ۱۳۹۳ در منطقه تیل‌آباد آزادشهر آغاز شد و پس از موفقیت اولیه، از سال ۱۳۹۶ به حوزه آبخیز اوغان گالیکش گسترش یافت. رمضان بهترک افزود: در قالب این طرح، تبدیل زمین‌های کشاورزی کم‌بازده به پوشش گیاهی، توسعه باغ‌های گیلاس، سیب و هلو، کشت گیاهان دارویی، زعفران، گل محمدی و اصلاح مراتع با مشارکت جوامع محلی دنبال شده است. وی اظهار کرد: این طرح در مجموع در مساحتی بیش از ۷۵ هزار هکتار در مناطق تیل‌آباد آزادشهر و حوزه آبخیز اوغان گالیکش اجرا می‌شود و تاکنون ۱۶ روستا را تحت پوشش قرار داده و برای صدها نفر از ساکنان منطقه فرصت شغلی مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کرده است. استان گلستان دارای گستره وسیعی از اراضی شیب‌دار است که کارشناسان معتقدند تبدیل آنها به باغ‌های مثمر و پوشش‌های گیاهی دائمی می‌تواند علاوه بر افزایش درآمد روستاییان، به کاهش خسارت‌های ناشی از سیلاب، تقویت منابع آب و حفاظت از جنگل‌های بالادست کمک کند. پس از وقوع سیلاب‌های سال ۱۳۸۰، طرح تبدیل اراضی شیب‌دار به باغ در گلستان با هدف مدیریت روان‌آب‌ها و کاهش فرسایش خاک در دستور کار قرار گرفت و براساس اعلام مسئولان، تاکنون حدود ۳۰ هزار هکتار از این اراضی به باغ‌های مثمر و غیرمثمر تبدیل شده است.



مورد استفاده قرار می‌گرفت، گفت: در بسیاری از موارد، درآمد حاصل از این کشت‌ها حتی هزینه‌های تولید را نیز تامین نمی‌کرد، اما تبدیل این زمین‌ها به باغ‌های مثمر مانند گیلاس، زیتون و گیاهان دارویی ارزش اقتصادی بیشتری برای بهره‌برداران ایجاد کرده است. مدیر باغبانی جهاد کشاورزی گلستان هم تأکید کرد: توسعه باغ‌های گیلاس در زمین‌های شیب‌دار علاوه بر جنبه اقتصادی، آثار زیست‌محیطی نیز دارد و سیستم ریشه‌ای گسترده این درختان می‌تواند در تثبیت خاک و کاهش فرسایش نقش موثری ایفا کند. وی ادامه داد: ارقام کشت‌شده در استان بیشتر شامل گیلاس تک‌دانه و برخی ارقام محلی است که متناسب با شرایط ارتفاعات و مناطق سردسیر انتخاب شده‌اند. فرهانی با اشاره به ظرفیت صادراتی این محصول گفت: بخش عمده گیلاس تولیدی گلستان در بازار داخلی مصرف می‌شود و با توجه به نزدیکی گلستان به

توسعه باغ‌های گیلاس در زمین‌های شیب‌دار و کم‌بازده گلستان طی سال‌های اخیر به عنوان راهکاری برای افزایش بهره‌وری زمین‌های کشاورزی، ایجاد اشتغال روستایی و کاهش پیامدهای فرسایش خاک و روان‌آب‌ها مورد توجه قرار گرفته و در برخی مناطق کوهپایه‌ای استان، زمین‌های کم‌حاصل را به باغ‌های اقتصادی تبدیل کرده است. به گزارش ایرنا، استان گلستان با دارا بودن حدود ۱۱۰ هزار هکتار زمین شیب‌دار در نوار جنوبی، ظرفیت قابل توجهی برای توسعه باغ‌های مثمر و غیرمثمر دارد که بخش زیادی از این زمین‌ها در گذشته به دلیل محدودیت‌های اقلیمی، شیب زیاد و کاهش بهره‌وری، یا به کشت محصولات کم‌بازده اختصاص داشت یا بدون استفاده باقی مانده بود. اکنون در روستاهایی همچون تیل‌آباد، وامنان، کاشیدار، سیب‌چال، نراب، فارسین و خوش‌بیلاق شهرستان آزادشهر، توسعه باغ‌های گیلاس موجب شده بخشی از این زمین‌ها به چرخه تولید بازگردد و برای بهره‌برداران محلی درآمد پایدار ایجاد کند.

تغییر کاربری زمین‌های کم‌درآمد به باغ‌های اقتصادی

یکی از بهره‌برداران باغ‌های گیلاس در روستای وامنان آزادشهر گفت: پیش از ایجاد باغ، بسیاری از این زمین‌ها یا زیر کشت محصولات زراعی کم‌بازده بود یا به دلیل شرایط کوهستانی، درآمد چندانی برای خانوارها ایجاد نمی‌کرد. مهدی شاملو افزود: تبدیل این زمین‌ها به باغ گیلاس علاوه بر افزایش درآمد خانواده‌ها، زمینه اشتغال اعضای خانوار را فراهم کرده و باعث شده نگاه بهره‌برداران به زمین‌های شیب‌دار تغییر کند. وی ادامه داد: در گذشته نگرانی از فرسایش خاک و خسارت‌های ناشی از بارندگی‌های شدید و سیلاب در این مناطق وجود داشت، اما ایجاد پوشش دائمی گیاهی در قالب باغ‌های مثمر می‌تواند بخشی از این مشکلات را کاهش دهد.

گلستان ظرفیت توسعه باغ‌های گیلاس را دارد

مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان با اشاره به ظرفیت‌های اقلیمی استان برای توسعه این محصول پیش‌بینی کرد امسال از ۴۳۰ هکتار باغ بارور گیلاس استان، بیش از سه هزار و ۵۰۰ تن محصول برداشت شود. نویدرضا فرهانی اظهار کرد: باغ‌های گیلاس گلستان بیشتر در مناطق کوهپایه‌ای شهرستان‌های آزادشهر و مینودشت و همچنین ارتفاعات شکوه و چهارباغ گرگان متمرکز است. وی افزود: مناطق دارای ارتفاع بیش از ۶۰۰ متر از سطح دریا، به دلیل برخورداری از شرایط مناسب اقلیمی، تامین نیاز سرمایی درخت و پراکنش مطلوب بارش‌ها، ظرفیت مناسبی برای توسعه این محصول دارند. فرهانی با بیان اینکه پیش از این بخشی از زمین‌های شیب‌دار این مناطق برای کشت گندم، جو و سایر محصولات زراعی

یادداشت دیر صفحه



آزاده حسینی

در تقویم ایران، روزی کمرنگ به نام ادبیات کودک و نوجوان وجود دارد. روزی که قرار است یادآور اهمیت سال‌هایی باشد که پایه های شخصیت، اندیشه و احساس انسان در آن شکل

می‌گیرد. کودک و نوجوان فقط مخاطب سرگرمی نیست. او انسانی در حال رشد است که نیاز دارد دیده شود، شنیده شود و فرصت تجربه کردن، پرسیدن و خیال پردازی داشته باشد. ادبیات کودک و نوجوان نیز فقط چند داستان ساده برای پر کردن اوقات فراغت نیست؛ پلی است میان دنیای امروز کودک و جهانی که در آینده خواهد ساخت. با وجود تلاش نویسندگان، شاعران، تصویرگران و مربیان این حوزه، هنوز ادبیات کودک و نوجوان آن‌گونه که شایسته است جایگاه خود را پیدا نکرده است. کودکان و نوجوانان امروز، فقط آینده‌سازان فردا نیستند؛ آن‌ها انسان‌های امروز ما هستند و شایسته توجه، احترام و سرمایه‌گذاری فکری و فرهنگی اند. روز کودک و نوجوان، بهانه ای است برای دیدن دوباره دنیایی که اگر آن را جدی بگیریم، آینده ای روشن‌تر خواهد ساخت. قرار نیست همه در بزرگسالی پزشک خوب، معلم خوب، پرستار خوب، آرایشگر خوب و کاره ای باشند. از پشت میزهای مدرسه ای که بیشتر روزهایش با خبر ناگهانی تعطیل رسمی می گذرد؛ بی تردید هر فردی کاره ای خواهد شد. اما انسان خوب پشت کدام میز نشسته است؟

خداوند یکتا



نازنین زهرا حسینیقلی ارباب

خداوند کسی است که همیشه همراه ما است. او است که ما را آفرید برای اینکه راحت تر سخن هایش را متوجه شویم کتابی به نام قرآن هست. او در زمانی که چیزی به نام جهان نبود بود و تمام جاندارانی که در آن زندگی می کنند را آفرید. تنها اوست که آفریدگار جهانیان است. خداوند همیشه به ما لطف و محبت دارد. اسم هایی دارد؛ مثل: «الله، پروردگار، رب، خدا». او هم در خانه ما هست و هم نیست. اگر او نبود زمین و زمان و دنیا به هم می ریخت شاید اصلا دنیایی نبود! اگر انسان را به وجود نمی آورد، چه می شد؟ هیچ وقت پدر مادر خود را نمی دیدیم اصلا آدم ها دیگر نبودند! جهان بی مزه و خالی می شد مانند اسباب بازی های پیرزن که داشت در انباری خانه اش خاک می خورد. اما خدا را شکر پروردگار جهانیان انسان و تمامی جانداران را آفریده است. چقدر زیبا و دلنشین است که من در کنار خانواده و دوستان خویش هستم. از خداوندگار سپاسگزاری خود را به جای می آورم که تمامی این زیبایی ها را آفرید.

ایران من



مینا کوه کن

تو را دوست دارم با تمام وجودم میهن ای میهن تمام وجودم می‌شود فدای خاک تو ذره ای از گوهرهای تو کم نمی‌شود ایستاده‌ام عاشقانه در راه دفاع از وجب به وجب کشورم میهن ای میهن ما دختران و زنان آریایی هستیم آرمیس، یوتاب، پورانداخت

از جنگ

مرگ

حادثه

نمی ترسیم

ما فرزندان کوروش، رستم و آرش هستیم

پاینده باد خاک ایران ما

انتظاری در میان سردرگمی



پرستو علاءالدین

از چه برایم می‌گویی؟ از عشق؟ این واژه چه معنایی برای‌ت دارد؟ آن را در نگاهت می‌خوانم، اما ترس دارم و نمی‌توانم بپذیرم نگاهت وجودم را می‌لرزاند، صدايت مرا سرشار از خواستن می‌کند، تو برایم نزدیک‌ترین احساس به شیفتگی هستی! برایم غزل بخوان، عاشقانه نگاهم کن! می‌خواهم همه را با وجودت انجام بدهی واقعی باشی.

چه رویای محالی!

دستانت به سمتم دراز شده، می‌خواهم آن‌ها را بگیرم، اما تو درست در لحظه‌ی آخر عقب می‌کشی و مرا در اوج دل‌باختگی ترک می‌کنی!

اما من! می‌دانی، اما من، غرق در آن محالات شده‌ام و در اوج شیفتگی خیره به دورنست‌ها منتظرت می‌مانم، آنقدر که روحمان با هم به ملکوت بشتابند.

پایان روشنایی



سحر حسن زاده

با برخورد نور آفتاب به پنجره چشمانم را باز کردم دوباره شروع روزی بدون زهرا دخترم درست که چهل روز گذشته

اما من تمام این چهل روز هنوز نتوانستم هضم کنم راستش خودم هم باور نمی‌کنم. منی که حتی طاقت یک روز ندیدن دخترم را نداشتم اما الان با این شرایط با این اتفاقی که افتاده چهل روز هست که دخترم را ندیدم. هر بار آخرین چهره سوخته دخترم برایم یادآوری می‌شود دلم می‌خواهد من هم الان پیش دخترم بودم. این چهل روز برایم چهل سال گذشت. دخترم همیشه برایم از آرزوهایش میگفت از آرزوی خانم دکتر شدنش کمک کردن به مردم، خوب کردن پای مادر بزرگش و دانشگاه رفتنش، مطب زندش، آخه دختر هشت ساله من چه گناهی داشت که الان باید زیر خروار خروار خاک باشد! اصلا نمی‌دانم چیجوری تحمل کنم. دختری که هرشب برایش قبل خواب قصه میگفتم دختری که همیشه قبل رفتن به مدرسه بغلش میکردم دختری که همیشه ساعت دوازده و نیم منتظر آمدنش بودم. الان چهل روز شده که نیست نمی‌دانم چه کنم. زندگی بدوم دخترم برایم بی‌معناست. در افکار خودم بودم که مادرم من را صدا زد: «بلند شو تا بریم مزار زهرا!» «تقدیم به تمام مادران داغ دیده مدرسه میناب!»

انتظار



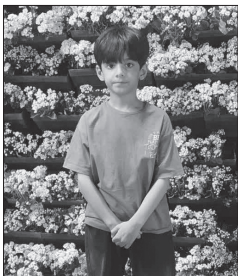
مریم ابراهیمی

در هیاهوی حجاب این و آن
دل پیش زلف تو، شد عریان
چشم از نور عشق کور شد
دل از نور آن، بینا شد
دل شد عصای دست من
شد دشمن، برای جان و تن
در آتش دوردست‌ها سوزاند مرا
از هرچه عقل و هوش دور کرد مرا
دل مرا به بیراهه کشاند
غم و اندوه را در من بیچاره نشانید
خیمه زدم باز هم در کوی تو
افسوس، مشام حس نکرد از بوی تو
کمر خم شد از انتظارات مانند چنگ
که صابار جسم، دل را گوید بر تو ننگ
دفن شد جسم من بر راه تو
که شاید ببیند دل دوباره زلف تو



محمد کیان یازرلو

در جنگلی حیوانات زیادی مثل قورباغه، فیل، ماهی، سنجاب، لک لک، زندگی می‌کردند که با همدیگر دوست بودند. یکی از قورباغه‌ها از رودخانه و شنا کردن می‌ترسید. یک روز که فیل و لک لک و ماهی در رودخانه آب بازی و شنا می‌کردند، قورقوری گوشه رودخانه نشسته بود و به اطراف نگاه میکرد که چشمش به سنجاب روی درخت افتاد. جلو رفت و سلام کرد، سنجابی از روی درخت پایین آمد و پرسید: «قورقوری کوچولو، تو چرا با دوستات توی رودخانه بازی نمی‌کنی؟» قورقوری گفت: «من از آب و شنا کردن می‌ترسم!» سنجابی تعجب کرد و گفت: «ولی من خیلی شنا کردن رو دوست دارم، حیف که نمیتونم توی آب بمونم». بعد از اینکه با هم صحبت کردند، سنجاب گفت: «بیا با هم قائم باشک بازی کنیم و هرکسی زودتر اون یکی رو پیدا کرد باید اون یکی جریمه بشه و بپره داخل آب». قورباغه قبول کرد و چشم گذاشت و تا ده شمرد. سنجابی قائم شد ولی هرچقدر گشت نتوانست سنجابی رو پیدا کند. حالا نوبت سنجابی بود که چشم بناره، و قورقوری قائم بشه، بعد از چند دقیقه سنجابی، قورقوری رو پیدا کرد و برنده شد. قورقوری چون بازی رو باخته بود باید داخل آب می‌پرید، سنجابی اونو هول داد و افتاد توی آب. قور قوری اولش ترسید ولی بعد متوجه شد چقدر آب بازی خویه و بهش خوش میگذره و هیچ ترسی هم نداره!



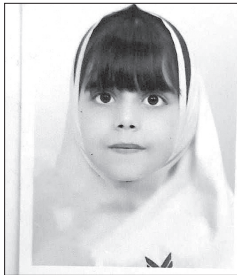
امیر علی اسماعیلی

در اعماق یک جنگل جایی که درختان آنقدر بلند بودند که انگار داشتند با ابرها حرف می‌زدند، خانواده‌ای از حیوانات با هم زندگی می‌کردند. در این جنگل، همه چیز با رنگ های روشن شناخته می‌شد؛ برگ‌ها سبز زمردی، گل‌ها قرمز آتشین و رودخانه آبی بود. پفی خرگوش کوچکی بود که گوش های بلند و صورتی

گرفت و لحظه ای ایستاد. با کمی درنگ رو به سگ گفت: «مگه نگفتم اینقدر سر و صدا راه نداز!» نزدیک بود همین تیکه نون خشک از دستمون بره!» سگ کوچک قهوه ای، چشمانش را چرخاند و با صدای ریزی از اقدام خویش ابراز رضایت کرد. دختر جوان با دقت دور و برش را برانداز کرد. آرام به سگ سقلمه ای زد تا راه بیفتد. آسمان رخت عزا پوشید بود. حتی پرندگان از شدت گرسنگی بر بلندای آسمان پرواز نمی کردند. می توان گفت، جهان بوی خون میداد! نه بوی نان و غذا. تنها صدای شیهه اسب ها در شهر طنین می انداخت. زنان و مردان با دستانی یخ زده کودکانشان را در آغوش گرمشان می فشردند. انسان ها چون کالبد ژنده پوشی بودند که آشنایی با غذا نداشتند. پس از گذر مسیری طولانی به خرابه ای رسیدند که از مدتی پیش خانه آنهاست. -آه لعنتی! از سنگم سخت تره! ولی... خب چه میشه کرد؟ تکه ای نان برای سگ انداخت و خودش به زور نان را از گلویش فرو برد. به انبوه درختان چشم دوخت و با لحنی سرشار از خشم گفت: «همش کار پدرو پیوستونه! مردک به لاقبا! آخه تو چرا طاعون نگرفتی نمردی؟! چشمانش را رو به سگ انداخت: «مگه نه، جان؟! جان بیچاره حرفی برای گفتن نداشت، البته اصلا نمی توانست صحبت کند! آفتاب هم حال و حوصله تابیدن نداشت. کریسمس، مانند روح سردی برخاست و در خاکستر خشم مردم فرو رفت و حال همان تکه نان ناچیزی که دیگر شکم یک خانوار را سیر نمی کند. خبرهایی از آغاز موج سوم طاعون در شهر دست به دست می شد. جنگ هر روز شدت می یافت و سایه مرگ روی سربازان فرانسوی سنگینی کرده بود! از آن طرف افراد نازی گویی کم کم داشتند در پاریس جا خشک می کردند! و حتی کودکان باید بر دگرگی کسانی امثال پینستون می کردند که شکمش پر بود از گوشت گوساله و حریر بادام با پودینگ گندم که بر دلش سنگینی نکند! همه اش از صدفه سری انبار غله که مثلا اسطبل بود. سپیده دم، پنجم آوریل ۱۹۴۰ شارلوت کنجکاوانه به انبار غله پینستون پیر چشم دوخته بود. حساب درشکه هایی که سراسیمه به آنجا می آمدند از دستش رفته بود. جان، سگ نفوذی با سابقه دوان دوان از آن سوی انبار به سوی درختان آمد. طوری پاس می کرد که دختر جوان شرح رویداد، دستش بیاید. -جاااا! باور کن نمی فهمم چی میگی؟! پدرو پینستون با آن عنینک ذره بینی و شکم قلمبه اش درحالی که کروات راه راه سرخش را مرتب می کرد؛ نگاهی به خدمه اش انداخت و به انبار رفت. شارلوت با پیراهن بژی که بر تن داشت، خوب لابه لای درختان پنهان شده بود. ناگهان چنان هواری سر داده شد که موهای مجعد خرمایی دخترک، به عقب رانده شد. جان و شارلوت نیم نگاهی به یک دیگر انداختند. هنوز عمق فاجعه به بیرون درز نکرده بود! از شدت عصبانیت، چهره پینستون گلگون شده بود. پیرمرد با لهجه فرانسوی غلیظش چنان سر کارکنانش هوار می کشید و سرزنش می کرد که صدایش عملتا به شهر می رسید. پس افتادن او نیز، دردسر دیگری بود. دختر جوان تنها یک چیز از روند سخنان افراد درون انبار دستگیرش شد: موش، غلات پینستون پیر را به راحتی خورده بود.



شهر ماکارونی ها شد نمی دانست کجاست. تا اینکه آقای تک ماکارون را دید. آقای تک ماکارون، با دیدن دلناز تعجب کرد. چون اون یک انسان بود. دلناز هم از کل ماکارونی ها تعجب کرده بود. آقای تک ماکارون همراه با همسرش خانم زر ماکارون، دلناز رو به دریای سُس کچاپ، جنگل قارچ، و پارک ماکارونی شکلی بردند. توی پارک دختر خانم زرماکارون و آقای تک ماکارون بود. اسم او نودل بود. نودل از دیدن دلناز تعجب کرد و خیلی می ترسید چون نوجوانی مثل دلناز عاشق نودل بود و امکان داشت او را بخورد. دلناز کم کم داشت از خواب بیدار می شد و توی این حال و هوا بود که ناگهان دلناز بیدار شد. اما هرگز اون شهر خوشمزه رو فراموش نکرد.



لیانا فرخی

یکی بود یکی نبود، زیر گنبد کبود هیچکس نبود. یک فرشته بود و یک باد حیلِه گر. یک روز فرشته کوچولو به کشش خیلی خوشگل خرید و ذوق داشت. برای همین کشش رو پوشید و به گردش رفت. اما یهو باد فرشته رو دید و با خودش گفت: «وای چه کشش خوشگلی! باید برم گولش بزنم تا بتونم کششش رو از دست بگیرم!» باد به سمت فرشته رفت و گفت: «سلام ای فرشته کوچولو! چه کشش های خوشگلی!» فرشته گفت: «سلام بادا! ممنونم!» باد گفت: «هی تونم ببینمشون فرشته گفت: «من اینا رو تازه خریدم، و نگرانم که تتونی توی دستات نگهشون داری!» باد چون می دونست فرشته دختر مهربون و دلسوزی هست، گفت: «خیلی بی معرفتی! ما دوتا دوست خیلی خوبیم اگه من جای تو بودم حتما کشش هامو به دوستم می دادم!» فرشته با اینکه نگران بود، گفت: «درست می گی! تو دوست خیلی خوبی برای من هستی و کفشاشو به باد داد!» فرشته به باد گفت: «منتظر می مونم تا کفشامو بیاری!» باد با صدای بلند خندید و گفت: «مگر اینکه تو خواب ببینی!» و فرار کرد. فرشته از اون به بعد تصمیم گرفت دیگه به هیچ کسی اعتماد نکنه.

بازآفرینی ضربالمثل: «بار کج به منزل نمیرسد» خفقان



فاطماعقیلی

خیابان های پاریس پر بود از افراد آلمان نازی؛ از دوم سپتامبر ۱۹۳۹، نفس های مردم، بوی باروت و خفقان می داد. کودکان دستان بی جان مادرشان را چنان می گرفتند گویی هر دم ممکن است تیری بر قلب کوچکشان نشانه بروند. که امکان هم داشت. در همین میان، پشت اصطبل آقای پینستون دختر جوانی با هزار زور و زحمت تکه نانی از دست مرد قاپید و با سگ قشقرق راه بیندازش به درون سیاهی دوید. نفس نفس زنان، تنه درختی را

پیدا کرد و گفت: «نگران نباش! ما کمکت می کنیم!» هولی شاخه را نگه داشت و خرگوش با کمک نیک از گودال بیرون آمد. خرگوش خوشحال شد و گفت: «ممنونم! اگر شما نبودید، نمی دانستم چه کار کنم!» نیک و هولی از اینکه خرگوش را نجات داده بودند خیلی خوشحال شدند. بعد، هر سه با هم به راه ادامه دادند تا بالاخره صدای آبشار را شنیدند. آبشار پشت درختان بلند پنهان شده بود و زیر نور خورشید مثل الماس می درخشید.

پشه کوچولو



نرگس کوهکن

پشه کوچولو تنها بود و این طرف و آن طرف می رفت. اما کسی را پیدا نمی کرد تک و تنها به هر گوشه ای سر میزد تا اینکه خانه ای پیدا کرد و وارد خانه شد. جای گرم و نرمی کنار چراغ پیدا کرد تا استراحت کند. همانجا خوابش برد. وقتی از خواب بیدار شد متوجه شد روی یک شیرینی بزرگ خوابیده و در آن سوی شیرینی صدای وز وز می آید. به سمت صدا رفت و دید مگس خانم زیبایی او را در آغوش گرفته و اشک هایش را پاک میکند و میگوید: «خدا رو شکر که زنده ای عزیزم! خدارو شکر خیلی خسته به نظر می اومدی! آخی پشه کوچولوی باتمک!» پشه کوچولو که در آغوش مگس خانم احساس امنیت و آرامش کرده بود به خانه او رفت، یعنی زیر کابینت آشپزخانه. خانه مگس خانم زیبا و پر از خوراکی بود، اما هیچ کدام آن خوراکی ها غذای پشه نبود و شب را گرسنه خوابید. وقتی سحر که هوا کمی روشن شد، بیرون رفت و تا عصر برگشت. وقتی مگس خانم از خواب بیدار شد، پشه کوچولو را کنار خودش ندید و خوراکی هم نبود. به همین دلیل فکر کرد کار پشه کوچولو است و خیلی ناراحت شد وقتی دوباره هوا تاریک شد پشه کوچولو به خانه برگشت و به مگس خانم مهربون سلام داد. مگس خانم که پشه کوچولو را دید اشک در چشمانش حلقه زد و خوشحال شد که او را دوباره دید اما از دست کارش بسیار ناراحت بود و از پشه کوچولو پرسید که کار او بوده؟! اما پشه کوچولو به او توضیح داد که کار او نبوده و خانم خانه امروز تمام خانه را تمیز کرده و زیر کابینت ها را گرد گیری کرده و بعد به خاله مگس مهربان گفت: «خاله مگس پشه ها معمولا برای خوردن غذا در هنگام سحر و غروب بیرون می روند تا غذا بخورند». خاله مگس زیبا و مهربان که حالا دیگر همه چیز را می دانست از دست پشه کوچولو دلخور و غمگین نبود او را برای همیشه کنار خودش نگه داشت.

آقای تک ماکارون



یاسمین سادات میرکریمی

یک روز دلناز کوچولو که عاشق ماکارونی بود، به شهر ماکارونی ها سفر کرد. دلناز اول که وارد

داشت. پفی خیلی کنجکاو بود و همیشه دوست داشت بلداند آن سوی تپه های بزرگ، چه خبر است. یک روز صبح، وقتی خورشید با نور طلایی اش به روی شاخه های درختان می تابید، پفی تصمیم گرفت یک سفر کوتاه انجام دهد. او در راه با «فلفل» سنجاب زنگ روبرو شد. فلفل داشت با سرعت از درختی به درخت دیگر می پرید. پفی پرسید: «فلفل جان، کجا با این عجله؟» فلفل ایستاد، نفس زده گفت: «پفی شنیدی؟ صدای موسیقی از سمت چشمه میاد. گل های دره، وقتی باد می وزد، با هم آواز می خوانند!»

پفی و فلفل با هم به راه افتادند. در مسیر، آن ها با اتفاقات کوچک اما هیجان انگیزی روبرو شدند. گاهی مجبور می شدند از روی ریشه های پهن درختان قدیمی با دقت عبور کنند و گاهی زیر سایه برگ های بزرگ استراحت کنند. وقتی به نزدیکی چشمه رسیدند، با صحنه عجیبی روبرو شدند. یک لاک پشت پیر و مهربان به نام «آقای لاک پشت» کنار رودخانه نشسته بود و با تعجب به یک تنه درخت که در وسط مسیر افتاده بود نگاه می کرد. این تنه بزرگ، راه ورود به دشت گل ها را بسته بود. پفی گفت: «آقای لاک پشت، چرا ناراحت هستید؟! لاک پشت آهی کشید و گفت: «این تنه بزرگ مانع دیدن گل های آواخوان شده است. اگر راه باز نشود، باد نمی تواند میان گل ها بیچد و آنها نمی توانند آوازشان را بخوانند.» پفی و فلفل به هم نگاه کردند. آنها کوچک بودند، اما می خواستند کمک کنند. پفی گفت: «ما می توانیم با هم تلاش کنیم!» فلفل با مهارت از بالای تنه بالا رفت و سعی کرد با پریدن و تکان دادن شاخه های کوچک، راه را باز کند. پفی هم با پنجه های کوچک و قوی خود، خاک زیر تنه را کمی جابه جا کرد. آنها با هم همکاری کردند، تک به تک و با حوصله. ناگهان، صدای «تپ تپ» و «خز خز» از میان چمن ها آمد. آنها متوجه شدند که با همکاری هم، توانستند مسیر را برای جریان آب و وزش باد باز کنند. همان لحظه، باد ملایمی وزید و گل های رنگارنگ دشت شروع به تکان خوردن کردند و صدایی شبیه به زنگوله های کوچک در تمام جنگل پیچید. موسیقی طبیعت آغاز شده بود! آقای لاک پشت با لبخند گفت: «دیدید؟ وقتی همه با هم همکاری می کنند، زیباترین آهنگ ها را می سازند.» پفی و فلفل درحالی که زیر نور خورشید و در میان صدای موسیقی گل ها می نشستند، فهمیدند که حتی کوچک ترین موجودات هم می توانند با کمک هم، کارهای بزرگی انجام دهند.



سید نیک آیین حسینی

روزی روزگاری در جنگلی سبز و پر از درخت های بلند، ببری کوچک و کنجکاو به نام «نیک» زندگی می کرد. نیک عاشق ماجراجویی بود و همیشه دوست داشت جاهای تازه را کشف کند. بهترین دوست او پرنده ای رنگارنگ و خوش صدا به نام «هولی» بود که روی شاخه ها پرواز می کرد و همه چیز را از بالا می دید. یک صبح آفتابی، نیک با هیجان گفت: «هولی! بیا امروز به بخش ناشناخته جنگل برویم. شنیده ام آنجا آبشاری زیبا پنهان شده!» هولی بال هایش را تکان داد و گفت: «فکر خوبی است، اما باید مراقب باشیم و با هم بمانیم.» آن ها راه افتادند. در مسیر، از روی سنگ ها پریدند، از میان بوته ها گذشتند و صدای پرندگان مختلف را شنیدند. ناگهان صدای گریه ای آرام به گوششان رسید. هولی از بالا نگاه کرد و گفت: «یک! یک خرگوش کوچولو داخل گودال افتاده!»

نیک سریع جلو رفت. خرگوش ترسیده بود و نمی توانست بیرون بیاید. نیک شاخه ای محکم

« آگهی ثبتی »

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بااعلاماضا سروش مهدی زاده بشماره ملی ۱۲۰۸۳۷۴۶۲۰۰۰ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۵/۱۱۴۴/۱۴۰۴ در ۴ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی و محسن مهدی زاده بشماره ملی ۱۲۰۸۳۷۴۶۲۰۰۰ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۵/۱۱۴۴/۱۴۰۴ در ۲ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۷۱،۵۰ مترمربع از پلاک شماره ۳- اصلی واقع در ارضی زمینی بالغ بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد؛ لذا به منظور اطلاع عموم مراتب رد دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دخواستواستخوانداری به مرجع ذصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم درخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۰

سید عیسوی میر کاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف احمد نوییان- شناسه آگهی ۲۰۲۳۰۳۰۲

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی راضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه عباسعلی خراسانی شماره ملی ۱۳۱۲۱۹۹۷۹۷۱ مقتضای کلاس پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۱۴۱۴۰۰۰۲۳ در ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ در ششادگان عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰۵۷۵٫۷۳ مترمربع از پلاک شماره ۴- اصلی واقع در اراضی باغ گلین بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق اراضی صادره حایده از تصرفات متقاضی دارد؛ لذا به منظور اطلاع عموم راضی به آن به نوبت به فاصله یکصد و هفتاد و هفت روز آگهی می شود از این راضی و اشخاصی که نسبت به این صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار این اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست تجدیدنظر را به جهت اصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند؛ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ تاریخ انتشار نوبت کاطمی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از تصرفات متقاضی- شناسه آگهی ۲۳۰۷۲۵۲۱

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی راضی و ساختمانیهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بالاعارضش محترم رجیم آبادی بشماره ملی ۱۰۱۷۱۲۷۱۰۰۰۲۲۷ مقاضای کلاس پرده است و در ششصد و یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۸۱/۹۶ مترمربع از پلاک ۳- اصلی واقع در اراضی اوزبیه بخش ۲ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق اراضی صادره حکایت از تصرفات مقاضی دارد. به منظور اطلاع عموم اراضی که در نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این راضی الشذایی که نسبت به این صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار این اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خودشان را به این اداره به صلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ سیدعشر میرکاطمی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک صادره از طرف محمدا نویان- شناسه آگهی ۲۰۷۷۳۰

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه حسن بابایی سرزنشنامه شماره ملی ۳۴۱۰۳/۲۲۲۰ متقاضی کلاسه پرونده ۰۰۰۳۴۲/۱۴۵۴۱۴۶۸۰ در ششادگان عرصه و ایابان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۵۶۳۱،۲۵ مترمربع از پلاک شماره ۱۱۷- اصلی واقع در اراضی سرزنشنامه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از تاریخ و مشخصاتی که نسبت به این صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدلت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه تا تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست قضائی ارائه یا به مرجع فیصلح قضائی تقدیم و گواهی اقدام بدخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار اول: ۱۴۵۰/۰۴/۰۸
تاریخ انقضای مهلت اعتراض: ۱۴۵۰/۰۴/۲۴

سیدعبدالله میرکاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف احمد نیویان - شناسه آگهی ۲۲۰/۸۸۴۸

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند - مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بااعراض فاطمه کبکی بشماره ملی ۱۴۰۵/۴۸۲۹۰ متقاضی کلاسره برپنده ۱۴۰۵/۴۸۲۹۰ تا ۱۴۰۵/۴۸۲۹۰ را در ششادان علیه و اعیان یک قطعه زمین مزعومی به مساحت ۳۰ مترمربع از پلاک شماره ۷ فرعی از ۷۷- اصلی واقع در اراضی مجرای بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. انتقالی از محسن محمدی نژاد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید آگهی بمدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۴

شیداعیسمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف احمد دیوبان - شناسه ۲۲۰۹۴۶۷

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برای برآورد آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانها، فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض احسان احمد دوست بشماره ملی ۱۲۳۷۲۷۵۵۱ متقاضی کلاسه پرونده ۰۰۰۰۳۰۳۳/۱۴۰۱۱۴۱۱ را به شش‌گانه عرصه و اعیان یک قطعه زمین مرزوبوی به مساحت ۵۵۰۰ مترمربع از پلاک شماره ۲۱۰- اصلی واقع در اراضی سرخ‌گلانه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان می باشد.

با منظور اطلاع عموم اراضی در نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست تجدیدنظر را به این اداره علیه قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۴

سید عباس میر کاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف احمد نویان - شناسه آگهی ۲۹۰۵۱۱

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی راضی و ساختمانهای قاش
سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه معصومه اکبریان بشماره ۵۷۰۹۱۲۸۹۶۵
مقتضای کلاس پرورنده ۲۰۴، ۱۴۰۳/۰۷/۱۴ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مغزوری که باقیماند
مغزوری بهضمام ۶ دانگ مشاع از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مرغوری که سابقاً
آن وقت می باشد به مساحت ۹۰۰،۱ متر مربع از پلاک شماره ۸-۸ اصلی واقع در اراضی
جعفرآباد بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرف متقاضی
دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مردم این دو نوبت به فاصله یازده روز آگاهی میشود از آنکه
رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار
اولین آگاهی بمدت ده ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس
از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خویش را
را به هر حد صلاح قضائی تقدیمی و گواهی تقدیم درخواست را به این اداره ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

ستادگیری میر کاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاك منطقه دو گرگان از طرف احمد نویبان -
شاهنامه آگاهي ۲۲۱۰۲۰۸

آشپزی با کودکان؛ جشنی از طعم و شادی در تابستان

بزنید. کودکان می‌توانند میوه‌ها را به سیخ چوبی بکشند و طرح‌های خلاقانه بسازند. حتی می‌توانند با خلال دندان، شکلک‌های کوچک روی میوه‌ها درست کنند.

بیسکویت‌های خانگی ساده:

مواد لازم: آرد، شکر، کره، تخم‌مرغ، وانیل. روش تهیه: مراحل مخلوط کردن مواد اولیه برای بچه‌ها بسیار جذاب است. بعد از آماده شدن خمیر، اجازه دهید با وردنه باز کنند و با قالب‌های شیرینی‌پزی، بیسکویت‌هایی به شکل دلخواه درست کنند. تزئین بیسکویت‌ها بعد از پخت نیز سرگرمی فوق‌العاده‌ای است.

سالاد فصل با طعم‌های جدید:

مواد لازم: کاهو، خیار، گوجه، ذرت، نخود فرنگی، پنیر خرد شده، مرغ پخته ریش‌ریش شده. روش تهیه: همه مواد را شسته و آماده کنید. بچه‌ها می‌توانند با راهنمایی شما، مواد را در کاسه بریزند و سالاد خود را با سس دلخواه (که آن را هم می‌توانند با هم مخلوط کنند) تزئین کنند.

نکات مهم برای یک آشپزی امن و لذت‌بخش:

ایمنی اولویت ماست: همیشه بر کار کودکان در اطراف اجاق گاز، چاقوهای تیز و وسایل داغ نظارت کامل داشته باشید. برای کارهایی که نیاز به دقت یا گرما دارند، خودتان کمک کنید یا مسئولیت را به عهده بگیرید.

لباس مناسب بپوشید: پوشاندن یک پیش‌بند رنگی به کودک، حس آشپز حرفه‌ای بودن را به او می‌دهد و لباس‌هایش را هم تمیز نگه می‌دارد.

صبور و همراه باشید: هدف اصلی، لذت بردن از فرآیند است، نه رسیدن به یک نتیجه بی‌نقص. اجازه دهید کودکان اشتباه کنند و از اشتباهاتشان یاد بگیرند.

تمیزکاری مشترک: بعد از اتمام آشپزی، خودتان را برای یک مینی «جشن تمیزکاری» آماده کنید. از کودکان بخواهید در جمع کردن وسایل و تمیز کردن میز کمک کنند. این کار هم مسئولیت‌پذیری را بالا می‌برد و هم حس پایان یک فعالیت مشترک را ایجاد می‌کند.

جشن گرفتن موفقیت: پس از اتمام کار، نتیجه زحماتتان را تحسین کنید و با هم از غذایی که پخته‌اید لذت ببرید. این بخش، پاداش تلاش آن‌هاست.



۶. خرید مواد اولیه: گامی در یادگیری و مشارکت

هنگام تهیه مواد اولیه، فرزندتان را با خود به خرید ببرید. از او نظر بخواهید و اجازه دهید در انتخاب برخی از مواد ضروری مشارکت کند. این کار به آن‌ها حس مهم بودن می‌دهد، صبر را به آن‌ها می‌آموزد و باعث می‌شود در فرایند تهیه غذا احساس مسئولیت بیشتری کنند. تحسین تلاش‌هایشان را فراموش نکنید؛ این تشویق‌ها اعتماد به نفس آن‌ها را افزایش می‌دهد و روزتان را پر از شادی می‌کند.

چند پیشنهاد و ایده جذاب:

اسموتی‌های رنگارنگ تابستانی:

مواد لازم: میوه‌های فصل (مثل انواع توت‌ها، هلو، موز، انبه)، ماست (ساده یا طعم‌دار)، کمی عسل یا شیرین‌کننده دلخواه. روش تهیه: میوه‌ها را شسته و آماده کنید. بچه‌ها می‌توانند میوه‌ها را داخل مخلوط‌کن بریزند. شما مواد دیگر را اضافه کنید و اجازه دهید کودک دکمه را بزند! نتیجه، یک نوشیدنی خنک و مغذی است که خودشان آن را ساخته‌اند.

کاناپه‌های میوه‌ای و خلاقانه:

مواد لازم: انواع میوه‌های فصل (مثل هندوانه، خربزه، انگور، توت‌فرنگی)، خلال دندان یا سیخ چوبی کوتاه، قالب‌های کوچک شیرینی‌پزی. روش تهیه: میوه‌ها را به اشکال مختلف (دایره، ستاره، حیوانات) با قالب برش

پوره سیب‌زمینی را دوست دارد، او را در له کردن سیب‌زمینی‌ها مشارکت دهید. وقتی بچه‌ها در تهیه غذای خود نقش دارند، احتمال اینکه آن غذا را با اشتیاق بیشتری بخورند، بسیار بالا می‌رود. این روش می‌تواند به کنترل بهانه‌گیری‌های غذایی آن‌ها نیز کمک کند.

۴. فرصت آزمایش و تجربه را به آن‌ها بدهید

از بین چند گزینه ساده، از کودک خود بپرسید که دوست دارد چه چیزی درست کند؛ مثلاً ساندویچ یا سوپ؟ غذاهایی را انتخاب کنید که دستور پخت آسانی دارند. اگر کودک شما تمایل دارد مواد جدیدی را به غذا اضافه کند یا کمی خلاقیت به خرج دهد، تا زمانی که به غذا آسیب نزنند، به او اجازه دهید. هدف، یادگیری و سرگرمی است، نه کمال‌گرایی در پخت‌وپز. بهتر است قبل از اینکه بچه‌ها گرسنه شوند، فرایند آشپزی را شروع کنید تا گرسنگی بر لذت کارشان تأثیر نگذارد.

۵. کیک‌های یخچالی: دسرهای سریع و جذاب

برای کودکان کوچک‌تر، درست کردن کیک‌های یخچالی می‌تواند بسیار لذت‌بخش باشد. ترکیب میوه‌هایی مانند گیلان با بادام و شکلات تلخ، پایه مناسبی برای این دسرهای فراهم می‌کند. پس از ذوب کردن شکلات و مخلوط کردن با مواد دیگر، می‌توانید بیسکویت یا مواد دلخواه دیگر را اضافه کرده و قالب را یک شب در یخچال قرار دهید.

فصل تابستان برای بچه‌ها یعنی تعطیلی مدرسه و فراغت از درس و مشق. فرصتی که اگر خوب مدیریت شود، می‌تواند به بهترین شکل برای شکوفایی خلاقیت و یادگیری مهارت‌های جدید در کنار خانواده مورد استفاده قرار گیرد. یکی از جذاب‌ترین این فعالیت‌ها، آشپزی است؛ فعالیتی که علاوه بر سرگرمی، حس استقلال، مسئولیت‌پذیری و اعتماد به نفس را در کودکان تقویت می‌کند. به گزارش ایران‌زدگی، تابستان که از راه می‌رسد، بچه‌ها بیشتر وقتشان را در خانه می‌گذرانند و گاهی اوقات این موضوع، هم برای آن‌ها و هم برای والدین، کمی خسته‌کننده می‌شود. اما چه بهتر که از این فرصت استفاده کنیم و آشپزخانه را به یک زمین بازی هیجان‌انگیز برای کودکان تبدیل کنیم! آشپزی با بچه‌ها فقط درباره درست کردن غذا نیست؛ بلکه فرصتی است برای یادگیری، افزایش اعتماد به نفس، تقویت همکاری و خلق لحظات شاد و به‌یادماندنی.

چند راهکار ساده و کاربردی برای لذت‌بخش کردن آشپزی با کودکان

۱. لذت کشف طعم‌ها را با هم تجربه کنید

شروع با شیرینی‌های ساده خانگی، راهی عالی برای درگیر کردن بچه‌هاست. کیک‌های یخی، کلوچه‌هایی که با خمیر، تخم‌مرغ و شکر درست می‌شوند، می‌توانند ساعت‌ها سرگرمی ایجاد کنند. اجازه دهید بچه‌ها در مراحل مختلف مشارکت کنند؛ یکی تخم‌مرغ بشکند، دیگری روغن بریزد و با هم مواد را مخلوط کنند. این تجربه، حس مشارکت و استقلال را در آن‌ها تقویت می‌کند.

۲. هدف اصلی شادی و سرگرمی است

فراموش نکنید که هدف اصلی در آشپزی با کودکان، خلق یک شاهکار آشپزی نیست، بلکه لذت بردن از فرایند و سرگرم شدن است. اجازه دهید بچه‌ها پیش‌قدم شوند و کارهای ساده را انجام دهند. مثلاً درست کردن یک بستنی موزی سریع با موز یخ‌زده، ماست و کمی وانیل، هم ساده است و هم برای بچه‌ها جذابیت زیادی دارد. دیدن نتیجه زحماتشان در خانه، برای آن‌ها بسیار هیجان‌انگیز است.

۳. علایق غذایی کودکان را دنبال کنید

اگر فرزندتان به ماکارونی علاقه دارد، اجازه دهید او ماکارونی را داخل قابلمه بریزد. اگر